



<https://rppl.ui.ac.ir/?lang=en>

Textual Criticism of Persian Literature

E-ISSN: 2476-3268

Document Type: Research Paper

Vol. 16, Issue 2, No. 62, Summer 2024

Received: 18/03/2023

Accepted: 04/10/2023

Analysis of the Affectivity of Soruri's Description from *Javaherolasrar and Zavaherolanvar* written by Kharazmi

Masooome Mohammadi

PhD Candidate, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities,
University of Isfahan, Isfahan, Iran
masoome_mohammadi@yahoo.com

Seyed Ali Asghar Mirbagheri Fard 

Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University
of Isfahan, Isfahan, Iran
a.mirbagherifard@gmail.com

Abstract

Background: *Masnavi Manavi* written by Jaleleddin Mohammad Balkhi (Rumi) is one of the most prominent mystical works in Persian literature. This book has been and is influential; consequently, the readers' needs have been and are subject to many descriptions in different languages.

Purpose: Assessing and analyzing the method and the content of descriptions of *Masnavi* are considered the most important study subjects in searching the works of Mowlavi. Analyzing the affectivity of the available descriptions would demonstrate the significance and stance of such works in the field of writing description. The description of Mostafa Ibn Shaban Soruri on the subject here is considered one of the most complete and the oldest in Asia Minor in Persian. Regarding the antiquity and the description language of Soruri, it is essential to specify the rate of its affectivity in the process of writing a description. The objective here is to find the extent of the oldest Persian descriptions of *Masnavi* by comparing Soruri's description with *Javaherolasrar and Zavaherolanvar* by Kharazmi.

Results:

The results of this comprehension indicate that the description of Soruri has been affected by *Javaherolasrar* in terms of structure and content. An important part of Kharazmi's description is included in Soruri's description without any reference, while Soruri, in his foreword claimed that he perceived this work by discovering the spirit of Mowlavi.

Keywords: Soruri's Description, Kharazmi, *Javaherolasrar and Zavaherolanvar*, Method, Content



Introduction

The remarkable interest of *Masnavi* readers in comprehending it and the necessity to clarify its complexities initiated literary works like description, glossary, modification, translation, etc. in different contexts. The high volume of explanations of *Masnavi* from the past to the present indicates the level of interest in this book, and the necessity of proving the deficiency and weakness of its explanations. One of the significant research issues in the field of *Masnavi* studies is to recognize and analyze the procedure of writing descriptions. The comparison of *Masnavi*'s descriptions in terms of method and content reveals the span of their overlap; next to assessments of advances, and shortcomings.

The description of *Masnavi* by Moslehoddin Mostafa Ebn Shaban Soruri (1561) is identified as the oldest Persian description including both the *Masnavi* books. The two core questions here are: 1) Are all of these descriptions Soruri's brainchild or they refer to other descriptions? and 2) If Soruri has resorted to others, how effective was it? Answering these questions necessitates considering analyzing and comparing the description of Soruri with others

The objective here is to scrutinize and explain the method and content of Soruri's description by comparing it with the *Javaherolasrar* description (the oldest *Masnavi* description).

Method and Materials

The method adopted here is analytic and descriptive based on library data. The focus here is on presenting a pattern to assess the different aspects of the descriptions of Soruri and *Javaherolasrar* Kharazmi. In the first section, the similarities and differences are compared and explained to clarify the verses; in the second section, the opinion of each commentator is analyzed in terms of compliance with the views of Mowlavi based on the model of the mystical tradition and in the third section, by assessing the preface of each book of Soruri's description, the acquired evidence indicate the outperformance of this description vs. *Javaherolasrar*.

Discussion of Results and Conclusion

Comparing the method in Soruri's description and Kharazmi's description indicates that primarily, many of the phrases and deductions of Kharazmi exactly resemble that of Soruri's description. Similar proses and verses are detected in both descriptions and that Soruri has taken advantage of Kharazmi's descriptions is evident. Soruri applied the language of Kharazmi (books one to three) which is intricate. In other sections (book four and on), descriptions are written in simple prose. Soruri has summarized and simply described the verses not mentioned in the descriptions of *Javaherolasrar*.

The content of the description of Kharazmi and Soruri is compared based on the mystical pattern of Mowlavi. Kharazmi has sometimes pointed out the viewpoints of Ibn Arabi in describing *Masnavi*. In some other cases, Soruri has made a connection between the first and second *mystical traditions*. Unlike Kharazmi, Soruri has mainly considered the lexical and rhetorical layers. To describe the mystical concepts, defined the outlooks of the second tradition of Kharazmi and sometimes described the first tradition. The foreword indicates that the commentator has consciously benefited from *Javaherolasrar*.

The results of this study indicate that Soruri was affected by Kharazmi's description. There exist doubts about the independence of Soruri's opinion in *Masnavi*'s clarification, thus, it cannot be considered an effective explanation. Direct affectivity from Kharazmi's description and not pointing out his name raises this notion that the rest of the materials not derived from *Javaherolasrar* may belong to others except Soruri.



متن‌شناسی ادب فارسی

سال شانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۶۲)، تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۸-۱


تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۲

مقاله پژوهشی

بررسی و تحلیل اثر پذیری شرح سروری از جواهرالاسرار و زواهرالانوار خوارزمی

معصومه محمدی، دکترای تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

masoome_mohammadi@yahoo.com

سید علی اصغر میرباقری فرد* ، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

a.mirbagherifard@gmail.com

چکیده

مثنوی معنوی اثر جلال‌الدین محمد بلخی (رومی) از مهمترین آثار عرفانی ادبیات فارسی است که در مناطق مختلف، مخاطبان بسیاری داشته است. نیاز خوانندگان موجب شده است شرح‌های متعددی به زبان‌های گوناگون بر این اثر نوشته شود. معرفی و بررسی روش و محتوای شرح‌های مثنوی از موضوعات مهم تحقیق در حوزه مولوی‌پژوهی به شمار می‌رود و بررسی اثرپذیری شرح‌ها از یکدیگر اهمیت و جایگاه این آثار را در جریان شرح‌نویسی نشان می‌دهد. شرح مصطفی بن شعبان سروری بر مثنوی، یکی از قدیمی‌ترین و مفصل‌ترین شرح‌های مثنوی است که در آسیای صغیر به زبان فارسی نوشته شده است. با توجه به قدمت و زبان شرح سروری، ضرورت دارد میزان اثرپذیری و اثرگذاری آن در جریان شرح‌نویسی بر مثنوی معلوم شود. در این پژوهش، کوشش می‌شود از طریق مقایسه شرح سروری با شرح جواهرالاسرار و زواهرالانوار اثر خوارزمی، میزان وام‌گیری آن از کهن‌ترین شرح فارسی بر مثنوی معلوم شود. نتایج بررسی و مقایسه دو شرح سروری و خوارزمی نشان می‌دهد شرح سروری در ساختار و محتوا از جواهرالاسرار اثر پذیرفته و بخش مهمی از شرح خوارزمی بدون اشاره به نام وی در شرح سروری درج شده است، درحالی‌که سروری در دیباچه شرح خود مدعی است این اثر را از راه کشف از روح مولوی دریافته است.

واژه‌های کلیدی

شرح سروری، خوارزمی، جواهرالاسرار و زواهرالانوار، روش، محتوا

این مقاله مستخرج از طرح پسا دکتری «نقد و تحلیل آسیب‌شناسی روش‌شناسی شروح مثنوی» و تحت حمایت بنیاد ملی علم ایران (صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور) و دانشگاه اصفهان است.

Iran National Science Foundation:INSF and University of Isfahan

*مسئول مکاتبات

2476-3268© The Author(s).

Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



10.22108/RPLL.2023.136839.2208

۱- مقدمه

مثنوی معنوی اثر جلال‌الدین محمد بلخی یکی از مهمترین و پرمخاطب‌ترین آثار عرفانی در مناطقی است که زبان فارسی رواج دارد. آسیای صغیر به سبب قرابت مکان با تربت مولوی، همواره کانون علاقمندان پرشمار او بوده است. نیاز به توضیح پیچیدگی‌های مثنوی سبب شکل‌گیری جریان شرح‌نویسی و مثنوی‌پژوهی (لغت‌نامه‌نویسی، تصحیح، ترجمه و...) در مناطق مختلف شده است. این منطقه نیز یکی از نخستین خاستگاه‌های شرح مثنوی به زبان‌های ترکی و فارسی است؛ آثاری چون گلشن توحید اثر شاهی دده قونیوی (د ۹۵۷ ق.)، شرح مثنوی مصلح‌الدین مصطفی سروری (د ۹۶۹ ق.)، شرح بسیار مشهور و به زبان ترکی نوشته رسوخی اسماعیل دده انقروی (د. ۱۰۴۱ ق.) از این جمله‌اند (محمدی، ۱۳۹۸: ص. ۳).^۱

«بین شارحان مثنوی کسانی بودند که صرف‌علاقه‌جندی به مولانا و وابستگی به او به شرح مثنوی پرداخته‌اند و افرادی نیز به‌منظور داشتن اثر و شمرده‌شدن در عداد فضلا و کسب عنوان شارح و حتی خودنمایی و اظهار برتری کار شرح را در پیش گرفته‌اند» (گولپینارلی، ۱۳۶۶، ص. ۱۹۳). این موضوع سبب پدیدآمدن آثار پرشمار و پراشکال درباره مثنوی شد تا جایی که محتوای بسیاری از این نوشته‌ها با اندیشه مولوی مطابق نیست یا نسخه‌های نامعتبر مبنای ترجمه یا شرح آثار شده است. علاوه بر اشکالات محتوایی، از نظر کمی نیز بیشتر این آثار کامل نیستند؛ بعضی از شروح بسیار موجز است، مانند شرح شیخ مراد بخاری، در بعضی حتی ابیات برافزوده بر مثنوی نیز ذکر شده است، مانند شرح انقروی و بعضی از شرح‌ها، تنها شامل بخش‌هایی از مثنوی است، مانند شرح‌های صاری عبدالله و اسماعیل حقی.

شمار زیاد شرح‌های مثنوی از یک‌سو نشان از علاقمندی به این کتاب و از سوی دیگر به سبب کاستی و ضعف این شرح‌ها در پاسخ‌گویی به نیاز مخاطبان است، اما با وجود این کاستی‌ها شرح‌های کهن راهگشای مثنوی‌پژوهی است؛ زیرا سال‌ها سبب حیات زبان فارسی در این منطقه و تعلیم و ترویج مثنوی بوده است. یکی از شرح‌های کهن فارسی که در آسیای صغیر نوشته شده است، اثر مصلح‌الدین مصطفی بن شعبان سروری (د ۹۶۹ ق.) است. این اثر از چند وجه بیش از تألیفات دیگر برای شناخت جریان شرح‌نویسی اهمیت دارد: یکی، از نظر زمانی بر شروح مشهور و مقبول پیشین مانند شرح انقروی مقدم است؛ دوم، زبان آن فارسی است و سوم، همه دفترهای شش‌گانه مثنوی را دربردارد.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

دو پرسش درباره شرح سروری مطرح است: «آیا سروری، همه این شرح را خود پدید آورده یا از شرح‌های دیگر استفاده کرده است؟» «اگر سروری از نظر شارح دیگری بهره برده است، میزان این اثرپذیری و بهره‌مندی چقدر است؟» پاسخ‌گویی به این دو پرسش به بررسی و مقایسه شرح سروری با شروحنی نیازمند است که احتمال تأثیر از آنها وجود دارد.

۱-۲. ضرورت پژوهش

یکی از موضوعات مهم تحقیق در حوزه مولوی‌پژوهی، شناخت و تحلیل جریان شرح‌نویسی است. مقایسه شرح‌های مثنوی از نظر روش و محتوا میزان وام‌گیری و اثرپذیری آنها از یکدیگر را نشان می‌دهد و می‌توان

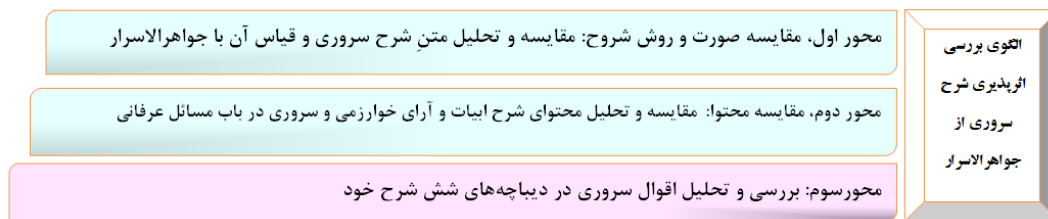
تألیفات مهم و اثرگذاری را که ردپای آنها در شرح‌های دیگر دیده می‌شود، شناخت. علاوه بر این می‌توان نقاط قوت و ضعف شرح‌ها و دلایل اقبال مخاطبان به یک شرح یا مهجورماندن شرح دیگر را ارزیابی کرد.

۳-۱. هدف پژوهش

هدف از این پژوهش آن است که اثرپذیری و وام‌گیری شرح سروری از قدیمی‌ترین شرح مثنوی، جواهرالاسرار و زواهرالانوار آشکار شود؛ از این رو کوشش می‌شود روش و محتوای شرح سروری از طریق مقایسه با شرح خوارزمی بررسی و تبیین گردد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اثر سروری چه‌قدر برگرفته از شرح پیش از خود و از نظر محتوایی در جریان شرح‌نویسی چه میزان درخور اعتنا است.

۴-۱. روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر تحلیل و توصیف داده‌هایی است که از مطالعات کتابخانه‌ای فراهم آمد. بر این مبنا کوشش شد الگویی در نظر گرفته شود که به کمک آن جوانب مختلف دو شرح سروری و جواهرالاسرار ارزیابی گردد. مبنای بخش اصلی این الگو مقایسه صورت (روش توجه به شرح ابیات) و محتوای شرح سروری و جواهرالاسرار است و بخش دیگر آن به ارزیابی اقوال سروری در دیباچه هر دفتر از شرح، مربوط است. نمایه زیر محورهای الگوی مقایسه و تحلیل را نشان می‌دهد.



نمایه الگوی بررسی اثرپذیری شرح مثنوی سروری از جواهرالاسرار خوارزمی

۱- تبیین روش شارح در توضیح ابیات در شرح‌های خوارزمی و سروری برای مقایسه این دو اثر شامل معرفی هر شرح و مختصات ظاهری آنهاست. در این بخش وجوه تشابه و تفاوت این دو شرح از طریق مقایسه شواهد تبیین می‌شود.

۲- بررسی و تحلیل دیدگاه شارحان براساس برداشت آنها از محتوای ابیات که در قالب توضیحات بیان شده است؛ مبنای این تحلیل، انطباق برداشت شارح با آرای عرفانی مولوی از طریق الگوی سنت عرفانی است.

۳- بررسی دیباچه هر دفتر از شرح سروری که در بردارنده اقوال او درباره انگیزه و روش او در شرح مثنوی است.

۵-۱. پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که تاکنون درباره معرفی و بررسی شرح‌های مثنوی انجام شده است، بیشتر مشتمل بر معرفی مجموعه‌ای از شرح‌ها یا معرفی یک شرح است و بعضی دیگر به نقد کلی روش یا محتوای شرح‌های مثنوی توجه کرده‌اند. شماری از این تحقیقات در ادامه بیان می‌شود.

- «تحلیل و بررسی میزان اثرپذیری جواهرالاسرار فی زواهرالانوار خوارزمی از منابع اصیل عرفانی منثور»، نوشته رضا شجری و الهام عربشاهی (۱۴۰۰) ادبیات عرفانی. در این مقاله متن جواهرالاسرار با منابع کهن مقایسه شده و میزان اثرپذیری این شرح از متون منثور کهن تبیین شده است.

- «طرحی برای سامان‌دهی روش شرح‌نویسی بر مثنوی»، اثر معصومه محمدی (۱۳۹۸) نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی. در این مقاله ضمن نقد روش شرح‌نویسی بر مثنوی، الگویی برای تدوین شرحی روشمند ارائه شده است.
- «تحلیل سبکی شرح مثنوی سروری» نوشته سعید دفتریان و دیگران (۱۳۹۶) نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر. در این پژوهش کوشش شده است نسخه‌های متعدد شرح سروری معرفی شود و به‌اجمال با چند شرح دیگر از جمله شرح خوارزمی مقایسه شود. باین‌حال این مقایسه تنها در چند بند و به‌صورت توصیفی بیان شده است و با توجه به هدف مقاله مذکور، به طور دقیق وجوه مشابهت و افتراق این دو اثر تبیین نشده است.
- «نسخه خطی شرح سروری بر مثنوی معنوی در کتابخانه غازی خسرو بیگ سارا یوو». نوشته نامیر کاراخلیلیویچ (۱۳۹۲) این مقاله در هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی در دانشگاه زنجان ارائه شد. در این مقاله برخی ویژگی‌های سه نسخه خطی موجود در کتابخانه غازی خسروبیگ معرفی شده است.
- «تحلیل شرح مثنوی میرنورالله احراری و مقایسه آن با شروح دیگر»، نوشته حسن دشتی (۱۳۹۱)، منتشرشده در آئینه میراث. در این اثر ضمن تبیین بخشی از جریان شرح‌نویسی بر مثنوی در شبه قاره هند، بعضی از بیت‌های مثنوی در دو شرح میرنوراله احراری و عبداللطیف گجراتی مقایسه شده است.
- «نگاهی اجمالی به شروح مثنوی»، مهوش السادات علوی (۱۳۸۹)، منتشرشده در آکادمی مطالعات ایرانی لندن. در این اثر به طور اجمالی بعضی از شرح‌های مثنوی معرفی شده است.
- «تأثیرپذیری کمال‌الدین حسین خوارزمی از خاقانی و خصایص سبکی وی»، رجب توحیدیان و بهمن هوشیاری (۱۳۸۸)، منتشر شده در بهار ادب. در این مقاله تنها به شیوه استفاده خوارزمی از آثار خاقانی برای تبیین شرح مثنوی و بهره‌گیری از ویژگی‌های سبکی وی در اشعاری که به‌صورت شاهد آورده توجه شده است.
- «معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی»، رضا شجری (۱۳۸۶). در این کتاب ضمن معرفی شارح و شروح مثنوی نکاتی درباره ویژگی‌های هر شرح بیان شده است.
- «نی‌نامه (الرساله النائیه)»، به‌اهتمام جمشید مظاهری (۱۳۶۱)، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. نویسنده در این مقاله شرح نورالدین عبدالرحمن جامی بر نی‌نامه مثنوی معرفی و تصحیح شده است.
- «مشکل‌های شارحان مثنوی معنوی مولوی»، جواد سلماسی‌زاده (۱۳۵۵)، وحید؛ در باب نقد بعضی از شروح مثنوی است.

۲. بحث

معرفی و مقایسه شرح‌های کهن و تبیین ویژگی‌های آنها از یک‌سو نشان‌دهنده اهداف، رویکرد و چگونگی برداشت شارحان از ابیات مثنوی است و از سوی دیگر چگونگی فهم مثنوی را در مناطقی که این شرح‌ها استفاده می‌شده است، نشان می‌دهد. این مقایسه در چارچوب روش‌شناسی شرح‌ها و تحلیل محتوای آنها تبیین می‌شود. برای مقایسه دو شرح سروری و خوارزمی ضروری است، محورهایی در نظر گرفته شود؛ از این‌رو در بخش اول (بررسی صورت و روش شرح‌ها) شواهدی مبتنی بر قیاس لفظ به لفظ دو شرح که مبین زبان و روش

شارحان است، آورده می‌شود و نتایج بر این مبنا تبیین می‌شود. در بخش دوم، دو شرح از حیث شیوه برداشت شارح از ابیات بررسی می‌شود و شواهد مبتنی بر محتوا تحلیل می‌گردد. در بخش سوم، شواهدی از اقوال سروری در دیباچه هر دفتر آورده می‌شود که استنباط نویسندگان مقاله درباره بهره‌مندی سروری را از شرح خوارزمی و اشاره‌نکردن به آن تأیید می‌کند.

۱-۲. مباحث کلی روش و روش‌شناسی

سنجش کارآمدی و ناکارآمدی ابزارها برای نیل به هدف در علوم مختلف از طریق «روش‌شناسی» میسر است؛ «روش‌شناسی» مطالعه و ارزیابی علوم مختلف از حیث چگونگی رسیدن به هدف است و در تعریف آن آورده‌اند: «روش‌شناسی، دانشی است که در آن قوانین خصوصی که فکر برای یافتن حقیقت در موارد خاص باید از آنها تبعیت کند، مطالعه می‌شود؛ چنانکه قوانین خاص در شیمی آزمایش است و در تاریخ، نقادی مدارک...» (شاله، ۱۳۴۴، ص. ۵۲). از این منظر، در حوزه ادبیات و شرح متون ادبی اگرچه روش مشخص و یکسانی برای توضیح ابیات در همه شرح‌ها در دست نیست، اما به‌طور کلی شیوه شارح در بیان توضیحات، گزینش بیت‌ها، نحوه توضیح نکات و کاربرد شواهد، روش و صورت شرح نامیده می‌شود که برای تبیین و مطالعه آن باید روش شارح را در توضیح هر بیت در نظر گرفت. در این بخش پس از معرفی اجمالی دو شرح سروری و خوارزمی وجوه تشابه و تفاوت روش و محتوای این دو اثر تبیین می‌شود.

۲-۲. معرفی شرح مثنوی سروری: مصلح‌الدین مصطفی بن شعبان سروری (د ۹۶۹ ق.). یکی از معلمان زبان

فارسی دربار سلطان سلیمان عثمانی است که شرح مفصلی بر شش دفتر مثنوی نوشته و آن را به شاهزاده مصطفی، پیشکش کرده است (سروری، ۱۵۶۲، برگ ۲/الف). سروری هر مصراع از مثنوی را جداگانه آورده و التزام به این کار سبب تفصیل شرح اوست. وی در کنار هر مصراع توضیح کوتاهی آورده و در بیشتر جاها تنها معنای لغوی یک واژه یا ترجمه ترکی و شیوه تلفظ آن را بیان کرده است. شارح گاه معنای بعضی واژگان را فروگذاشته و به تلمیح آیات و روایات اشاره کرده است، در جاهای معدودی هم متناسب با ابیات، ضرب‌المثل‌هایی ترکی، عربی یا فارسی آورده است. همچنین برای تبیین موضوعات، حکایات پرشماری از منابع مختلف عرفانی نقل کرده است. این حکایات در مثنوی نیامده و در دفترهای پایانی شرح بر شمار آنها افزوده شده است.

۳-۲. معرفی شرح جواهرالاسرار و زواهرالانوار: این شرح، قدیمی‌ترین شرحی است که تاکنون به دست

رسیده است. حدود دو قرن پس از وفات مولوی، تاج‌الدین^۲ حسین خوارزمی (م ۸۴۰ ق.)، شارح قرن نهم، آن را به رشته تحریر درآورده است. این اثر به زبان فارسی نوشته شده و شامل شرح ابیات سه دفتر نخست مثنوی است. خوارزمی بر جواهرالاسرار، مقدمه مفصلی شامل پیشگفتار و ده مقاله در موضوعات مربوط به اصول عرفان اسلامی نوشته و اصطلاحات، الفاظ، معرفی بعضی مشایخ بزرگ و مفاهیم عرفانی را توضیح داده است. او همه بیت‌های مثنوی را شرح نکرده و تنها بعضی از ابیات را بین کلام خود درج کرده و توضیحاتی درباره مفهوم کلی بیت آورده است. صرف‌نظرکردن از شرح بسیاری از ابیات بحث‌برانگیز، موجب شده است نکات متعددی که اشاره و توضیح آنها برای فهم بیت ضروری است، مغفول بماند. نثر خوارزمی از مقدمه تا پایان، مزین به انواع صنایع لفظی و معنوی، آراسته به آیات، احادیث، شواهد منثور و منظوم از متون عرفانی و شعر خود است.

آراستگی متن، سبب پیچیدگی شرح شده است. آنجا که خوارزمی کوشیده است ابیات مولوی را بر منهج آرای ابن عربی توضیح دهد، اصطلاحات غامض عرفانی نیز به گره‌های زبانی و ادبی می‌پیوندد و خواننده برای یافتن روابط مفردات و ترکیبات و فهم کلام شارح ناگزیر است چندین بار متن را بخواند. با این همه، شرح خوارزمی در حلقه‌های تعلیم مثنوی در مناطق مختلف استفاده شده است. با توجه به اینکه بیشتر شارحان پس از او *جواهرالاسرار* را دیده‌اند، نظر خوارزمی به شرح‌های دیگر نیز راه یافته و بر آنها اثر گذاشته است.

۲-۴. بررسی وجوه تشابه و تفاوت شرح

بررسی و مقایسه دو شرح، وجوه تشابه و تفاوت روش و ساختار آنها را نشان می‌دهد. با مقایسه لفظ به لفظ واژگان یا تطبیق شواهد منظوم و منثوری که هر دو شارح ذیل ابیات به کار برده‌اند، جوانبی از اثرپذیری شرح سروری تبیین می‌شود.

۲-۴-۱. **وجوه تشابه دو شرح سروری و خوارزمی:** مقایسه و مقابله جملات این دو شرح نشان می‌دهد بسیاری از عبارات و برداشت‌های خوارزمی عیناً در شرح سروری بیان شده یا در ضمن توضیح سروری بدان اشاره شده است. مقدمه، شرح‌نی‌نامه و ابیات پیش از شروع داستان «پادشاه و کنیزک» به کلی برگرفته از *جواهرالاسرار* است و سروری تنها چند جمله بر آن افزوده است، درحالی‌که کمترین اشاره‌ای به نام مأخذ یا مؤلف آن نکرده است؛ مثال‌های زیر تنها دو نمونه از مواضع مشابه است:

– «هر آینه بر آرای زاهره ارباب قلوب طاهره که مستکشفان اسرار بدایع فطرت و مستفتحان ابواب ودایع قدرتند ظاهر و پیدا و روشن و هویدا است که مقصود کلی و مقصد اصلی از تألیف کتاب مثنوی که جامع غوامض اسرار معنوی است، ارشاد جمیع طوایف عباد و تنبیه بر احوال مبدأ و معاش و معاد است... در بیان مبدأ که عبارت است از بدایت فطرت چاره نیست از تنبیه بر عوالم غیوب: چون حضرت عندیت احدیت که مبدأ تعینات و مرجع مکونات اوست... و چون عالم ملکوت که محل اکتساء خلعت اشباح لطیفه است و چون عالم مثال که برزخ میان عوالم غیب و شهادت است و این حضرات و عوالم اوطان اصلیه مشغوفه و مساکن مقدسه مألوفه هر موجود است که به عالم ملک و شهادت که منزل غربت و محل کربت است از آنجا آمده است و رجوع و ایاب نیز هم بدانجا خواهد بود...» (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴۷-۳۴۸).

– «بدان که بر ارباب عقول زاهره و اصحاب قلوب طاهره روشن و پیدا و ظاهر و هویدا است که مقصود اصلی و مطلوب کلی از تألیف این کتاب مثنوی و ترکیب این جامع معنوی ارشاد جمیع طوایف و عباد است و تنبیه بر احوال مبدأ و معاد و در بیان مبدأ ناچار است بی‌ریب از تنبیه بر عوالم غیب. چون حضرت عندیت احدیت که مبدأ تعینات و مرجع مکونات است و چون عالم ملکوت محل اکتساء خلعت اشباح لطیفه است و چون عالم برزخ میان عوالم غیب و شهادت است و این حضرات و عوالم اماکن اصلیه مشغوفه و مساکن مقدسه مألوفه است، هر موجود که به عالم ملک و شهادت که منزل غربت و محل کربت است از آنجا آمده است و رجوع به آنجا می‌کنند...» (سروری، ۱۷۱۳، گ ۵ / الف).

مثال دیگر:

«مرغ عالم افلاکی را با قفس خاکی چه نسبت و آن جوهر پاک علوی را بدین زندان سرای خاک سفلی چه رغبت؟» (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۵۱۶).

«مرغ عالم افلاکی را با قفس خاکی چه نسبت است؟ و آن جوهر پاک علوی را بدین زندان سرای خاک سفلی چه رغبت؟» (سروری، ۱۳۷۵، گ ۸۰/الف).

به همین ترتیب، سروری بخش درخور توجهی از شرح دفتر اول تا سوم مثنوی را به مدد عبارات خوارزمی و برداشت از جواهرالاسرار نوشته است و با مقایسه لفظ به لفظ آنها مواضعی که شرح سروری از جواهرالاسرار متأثر بوده است، نشان داده می‌شود.

ب) شارحان مثنوی برای توضیح ابیات و تأکید بر برداشت خود شواهدی اعم از اشعار، قطعات مثنوی، آیات و روایات می‌آورند. در این دو شرح نیز شواهد منظوم و مثنوی که هر دو شارح ذیل ابیات به کار برده‌اند، جنبه‌های دیگری از تشابه این دو شرح و استفاده سروری از شرح خوارزمی را می‌نماید.

- شواهد منظوم: تبیین مفهوم ابیات مثنوی به کمک اشعار دیگری از مولوی یا بیت‌هایی از شارح یا شاعران دیگر در شرح نویسی مرسوم است. خوارزمی نیز ابیاتی از غزلیات مولوی یا شاعرانی چون خاقانی، عطار و ابن فارض و... آورده است. همچنین خود نیز اشعاری سروده و به صورت شاهد یا برای تأثیر بیشتر کلام آورده و با عبارت «لمؤلفه» آن را از سایر ابیات شاهد متمایز کرده است. سروری بعضی از این شواهد را خلاصه یا حذف کرده و بسیاری از آنها را در شرح خود آورده است:

ز عشق روی گل بلبل نکردی ناله و غلغل
اگر اندر نهاد گل ندیدی نکهت بویت

(خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵۹، سروری، ۱۳۷۵، گ ۹۸/ب)

همچنین ابیات دیگری از غزلیات شمس، معارف بهاء ولد، ابن‌یمین، سعدی و... آورده است. به نظر نمی‌رسد ذکر این شواهد کاملاً مشابه، تصادفی باشد و سروری همان ابیاتی را در ذهن داشته باشد که خوارزمی در شرح خود بدان‌ها استشهد کرده است.^۳

- شواهد مثنوی: چنان‌که گفته شد سروری حکایاتی را فراخور ابیات مثنوی آورده است. شمار شایان توجهی از این حکایات از منابعی مانند کشف‌المحجوب، تذکره‌الاولیا، منطق‌الطیر، احیاء علوم‌الدین، التعرف و... است، اما بعضی از آنها از شرح خوارزمی نقل شده است؛ برای مثال خوارزمی حکایتی را با عنوان «دقیقه» ذیل شرح «صد هزاران فائده است و هر یکی» آورده است: ... دقیقه: چون طایفه‌ای از مکیان به تعلیم... (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۵۲۵). سروری این داستان را با همین عنوان (دقیقه) بیان کرده است: «دقیقه: چون طایفه‌ای از مکیان به تعلیم...» (سروری، ۱۳۷۵، گ ۸۴/ب). نمونه‌های پرشمار دیگری نیز در این شرح آمده است.^۴

۲-۴-۲. **وجوه تفاوت شرح سروری و خوارزمی:** مقایسه روش و زبان این دو شرح در بردارنده تفاوت‌هایی در شیوه بیان توضیحات، مختصات زبانی و به طور کلی سبک نگارش است. در این بخش تنها به آن دسته از تفاوت‌ها که به نحوه اثرپذیری شروح ارتباط دارد، توجه شده است.

۲-۴-۱. **مختصات نثر و زبان:** نثر آهنگین و گاه مسجع آرایه‌های لفظی و معنوی بسیار و شواهد شعری از مشخصات برجسته جواهرالاسرار است، درحالی‌که نثر سروری ساده و خالی از آرایه است. همچنین جداکردن مصراع‌ها و توضیح مختصری که پس از هر مصراع آورده است، موجب انفصال کلام است و از پیوستگی آن می‌کاهد؛ مثال:

«هر که صاحب ذوق بود از گفت او»: یعنی هر که صاحب ذوق بود از کلام وزیر؛ «لذتی می‌دید و تلخی جفت او»: یعنی بیرونش شیرین و درونش تلخ بود. «نکته‌ها می‌گفت او آمیخته»: آن وزیر نکته‌ها می‌گفت، اما صافی نبود؛ «در جلاب قند زهری ریخته»: ظاهر و باطنش موافق نبود» (سروری، ۱۷۱۳، گ ۲۲/ب).

نمونه‌ای از نثر *جواهرالاسرار*: خوارزمی برای بیان اهمیت هم‌نشینی با دانایان و اهل معنی آورده است: «در خزائن رحمت بی‌کلید صحبت اهل دل نگشاید و نهال گلشن دولت بی‌نسیم الفت پیر کامل برنیاید. مصاحبت ابرار و مجالست اخیار گل بوستان اقبال است و شمع شبستان آمال. ریحان چمن روح است، مفتاح خزائن فتوح است. واسطه عقد کمال است، نگین خاتم جلال است. کیمیای سعادت ابدی است، راهنمای دولت سرمدی است. سبب فوز و نجات است، موجب رفعت درجات است. پس در سلوک دین و وصول به عالم یقین از مصاحبت کامل راهبر راهدان صاحب ولایت صاحب تصرف چاره نیست» (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۴۴۹).

زبان سروری در بخش‌هایی که از شرح خوارزمی استفاده کرده است، (دفتر اول تا سوم مثنوی) پیچیده می‌نماید و بخش‌های دیگر با نثری ساده، بدون پیرایه و تصویرگری‌های لفظی و معنایی آمده است. علاوه بر این، سروری بیت‌هایی را که در شرح خوارزمی نیامده است، بسیار مجمل و ساده شرح کرده است؛ به طوری که نقل حکایات و شواهد شعری بیش از توضیح ابیات است. حتی از دفتر چهارم به بعد نیز اختصار در توضیح ابیات به وضوح دیده می‌شود؛ هرچند سروری گفته است دلیل این اجمال، طلب و خواسته مخاطبان است (رک: بخش بررسی دیباچه، همین مقاله).

۲-۲-۴-۲. بیان شرح حال عارفان و حکایات: از نکات ارزنده شرح سروری شمار زیاد شواهد، حکایات و گزارش احوال بعضی از عارفان است که از منابع مختلف گردآوری شده و به شرح مثنوی پیوند خورده است. به نظر می‌رسد شماری از این گزارش‌ها برگرفته از مقاله یکم از مقالات ده‌گانه‌ای است که خوارزمی در شرح خود در باب احوال بعضی از عارفان آورده است؛ برای مثال در مقاله اول *جواهرالاسرار*، ماجرای ذیل گزارش احوال بهاء ولد آمده است. این ماجرا در رساله سپهسالار نیز با تعبیر دیگری بیان شده است (سپهسالار، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۱۴). سروری نیز این حکایت را ضمن داستان کنیزک و پادشاه نقل کرده است. با توجه به تشابه همه واژگان این حکایت به نظر می‌رسد مأخذ سروری، شرح خوارزمی بوده است (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۹۷ مقایسه شود با شرح سروری، ۱۷۱۳، گ ۱۶/الف). بدین ترتیب، در این باره نیز تأثیر *جواهرالاسرار* بر شرح سروری مشهود است؛ با این تفاوت که موضع کاربرد این گزاره‌ها متفاوت است.

ارزیابی روش و صورت دو شرح، شواهد پرشماری را به دست می‌دهد که نشان از وامداری سروری به شرح خوارزمی است. ناگفته نماند اثرپذیری شارحان از یکدیگر به سبب اشتراک موضوع و متنی که بر آن شرح نوشته‌اند، طبیعی و محتمل است؛ چنان‌که بیشتر شارحان مثنوی از شرح دو بیتی که جامی بر مثنوی نوشته است، اثر پذیرفته و آرای او را در توضیح نی‌نامه آورده‌اند. همچنین شارحان شرح‌های مثنوی در شبه‌قاره مانند اکبرآبادی، خواجه ایوب و...، آرای کسانی را که پیش از خود بر این اثر شرح نوشته‌اند، بیان کرده و با آوردن دلایلی رد یا قبول کرده‌اند. در همه این شرح‌ها، نام شارح یا اثر وی بیان شده یا دست‌کم، مؤلف به تلویح به اینکه کلام را از شارحی دیگر برگرفته است، اشاره کرده است. آنچه اینجا اهمیت دارد، استفاده مکرر و اختیاری سروری از *جواهرالاسرار* و اشاره نکردن به مأخذ خود است. به نظر می‌رسد چنان‌که در سنت تعلیم و تعلم آن

روزگار، تلخیص، شرح و امالی آثارِ مقبول و پرتعداد، شیوهٔ مرسوم بوده است، این اثر نیز برای تعلیم یا پیشکش به مخدوم تهیه شده است. سروری کوشیده است شرح خوارزمی را املا یا تلخیص کند، ولی آگاهانه خود را به یادکرد شارح و نام اثر ملزم ندانسته است.

علاوه بر مقایسه و تحلیل ساختار و روش شروح، ضروری است محتوای آنها نیز بررسی شود تا دربارهٔ میزان ارتباط یا اختلاط این دو شرح تصویر روشن‌تری به دست داده شود.

۲-۵. تحلیل و ارزیابی محتوای شرح خوارزمی و شرح سروری: محتوای شرح‌های مثنوی مبتنی بر دیدگاه شارح و برداشت او از مفاهیم ابیات است. از این رو ضروری است معیاری برای سنجش راستی یا ناراستی این برداشت در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه مثنوی، اثری تعلیمی است که دیدگاه عرفانی مولوی را نشان می‌دهد، مهمترین شاخص برای ارزیابی هر شرح، تشخیص سنت و مشرب عرفانی مولوی و شرح ابیات براساس آن در نظر گرفته می‌شود. بر این مبنای، توضیحات شارحان براساس دیدگاه آنها نسبت به موضوعاتی است که مولوی مطرح کرده است؛ هراندازه شارح، مفاهیم ابیات را مطابق اندیشهٔ مولوی دریافت و گزارش کند، مثنوی را درست شرح کرده است.

در این بخش، دو شرح خوارزمی و سروری براساس شاخص‌های الگوی «سنت عرفانی» مقایسه و بررسی می‌شود.

۲-۵-۱. الگوی سنت عرفانی

مبنای الگوی سنت عرفانی، در نظر داشتن تحول بنیادینی است که در مبانی نظری عرفان اسلامی در قرن هفتم، با نظام‌مند شدن آرای ابن عربی صورت گرفت و آداب و معاملات یا بحث و نظر را شکل داد. «سنت عرفانی» مجموعه اصول و مبانی عرفانی است که جهت و هدف سالک را در طریقت تعیین می‌کند (عثمانی، ۱۳۹۶، مقدمه، ص. ۲۱؛ میرباقری فرد، ۱۳۹۴، ص. ۱۷-۲۲).

براساس الگوی سنت عرفانی، از قرن دوم هجری تا سدهٔ هفتم، «سنت اول» نام می‌گیرد و از سدهٔ هفتم به بعد که جریان عرفان از اندیشهٔ ابن عربی متأثر شد، «سنت دوم» عرفانی خوانده می‌شود؛ از این رو کسانی که در آثارشان نشانی از خصوصیات مبانی فکری شیخ اکبر نیست، سنت اولی‌اند و کسانی که آثاری پدید آورند که دربرگیرنده ویژگی‌های آرای ابن عربی است، سنت دومی محسوب می‌شوند.

۲-۵-۱-۱. سنت عرفانی مولوی

باآنکه مولوی مجاور با کانون نشر سنت دوم می‌زیست و ایام زندگانی‌اش هم‌زمان با دوران اوج ترویج عقاید ابن عربی بود، سنت اولی است و در آثارش تعالیم و تعبیر سنت دوم دیده نمی‌شود. سابقهٔ آشنایی او با مبانی سنت اول به دوران کودکی و جوانی وی برمی‌گردد؛ زیرا در کودکی از هدایت پدر خود، بهاء ولد، که از پیروان نجم‌الدین کبری بود، برخوردار شد. همچنین در جوانی با تعالیم سنت اولی سیدبرهان محقق پرورش یافت (میرباقری فرد، محمدی، ۱۳۹۷: ص. سی و شش). این در حالی است که بسیاری از شارحان، اشعار او را براساس آرای ابن عربی شرح کرده‌اند یا کوشیده‌اند میان اندیشهٔ مولوی و ابن عربی پیوند ایجاد کنند. بررسی و نقد دیدگاه شارحان از این منظر یکی از موضوعات مهم مولوی‌پژوهی است.

با توجه به اثرپذیری سروری از خوارزمی، نخست، نگرش و رویکرد خوارزمی نسبت به شرح مثنوی و شیوه برداشت او در باب آرای عرفانی مولوی تبیین می‌شود. سپس با مقایسه و ارزیابی محتوای شرح سروری، میزان اثرپذیری وی از *جواهرالاسرار* نشان داده می‌شود.

۲-۵-۲. **تحلیل و تبیین محتوای شرح خوارزمی:** بررسی و تحلیل دیدگاه خوارزمی نسبت به شرح مثنوی و برداشت وی از این اثر در مباحث زیر خلاصه می‌شود.

۱- **بیان اصطلاحات سنت اول و سنت دوم عرفانی:** خوارزمی در مقاله دوم از مقدمه *جواهرالاسرار*، اصطلاحاتی را تعریف می‌کند که از جمله الفاظ کلیدی سنت اول عرفانی است؛ مانند ستر و تجلی، محاضره، مکاشفه و مشاهده، لویح، لوامع و طوامع، علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین و... همچنین در مقالات چهارم تا دهم نیز مطالبی بیان می‌کند که مبتنی بر مفاهیم و تعالیم محیی‌الدین عربی و پیروان او است.

۲- **برداشت آزادانه از مثنوی در چارچوب مفاهیم عرفانی:** در خاتمه مقاله اول عباراتی آمده است که رویکرد خوارزمی را نسبت به شرح مثنوی نشان می‌دهد:

«چون در کتاب مثنوی که جامع اسرار معنوی است؛ ... و هر صاحب مشربی را ازو نصیبی شامل و هر خداوند طلبی را درو نصابی کامل حاصل است؛ خواستیم که در مقالات مقدمات، مصطلحات جمیع ارباب حکم متعالیه و اصحاب آراء متلالیه مندرج باشد تا به حکم «قد علم کل اناس مشربهم» از بحار فیاض این کتاب شریف، هر کسی اغترافی تواند نمود؛ لاجرم در مقالات آتیه کلمات و مصطلحات اهل معرفت را بر اختلاف طبقات و تفاوت درجات ایشان درج کردیم» (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۹).

بنابر این سخن، خوارزمی هرگونه برداشتی را از مثنوی جایز و هرکس را از دریای مثنوی به قدر وسع و متناسب با مذاق خود بهره‌مند می‌داند. این دیدگاه نشان می‌دهد برخلاف نظر بیشتر شارحان مثنوی که از دیرباز تاکنون کوشیده‌اند منظر خاص و واحدی را برای فهم مثنوی عرضه کنند، کسانی هم معتقدند می‌توان از مثنوی برداشتی آزادانه و البته در چارچوب مفاهیم عرفانی داشت. این نگرش نشان می‌دهد رویکرد خوارزمی در تقابل با شارحانی چون جامی، انقروی، اکبرآبادی، گولپینارلی و کسانی است که شرح را ابزاری برای سهولت فهم اندیشه صاحب اثر می‌دانند و کوشش می‌کنند بر مثنوی، شرحی مبتنی بر نظام نظری خاص بنویسند و برداشت‌هایی که صحیح نمی‌دانسته‌اند، نقد و رد کنند.

۳- **آگاهی از تفاوت دیدگاه مولوی و ابن عربی و اشاره به آن:** خوارزمی در مقاله سوم از مقدمه، عارفان (ارباب حال) را بر اساس مراتب کمال طبقه‌بندی کرده است. او استعدادهای مختلف و کمالات متفاوت را موجب تفاوت دریافت و بهره‌عارفان از حقیقت دانسته و معتقد است تعبیرهای متفاوت عارفان نتیجه برداشت مختلف آنان است. بر اساس این ارباب حال چهار طبقه‌اند: معتقدان به وحدت وجود، معتقدان به مبدئیت و مرجعیت عدم، قائلان به طریق محبت و واصلان و مقربان. او خود و مولوی را به گروه چهارم منتسب می‌داند و ابن عربی را در گروه دیگری جای داده است (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۱-۱۲۸). باین حال در شرح مثنوی به این تفاوت مبنایی اعتنایی نکرده و بعضی از ابیات را مطابق نظر ابن عربی شرح کرده است. او در مقالات چهارم تا دهم مقدمه نیز مطالبی را بیان کرده است که بر تعالیم شیخ اکبر و پیروان او مبتنی است.

با توجه به تمهید این مقدمه به نسبت جامع، خوارزمی یکی از معدود شارحانی دانسته می‌شود که چارچوب خود را برای تبیین محتوای شرح و مفهوم ابیات معین کرده و توضیح داده است.

۴- برداشت از ابیات مثنوی و شرح آن براساس آرای سنت دوم: خوارزمی در زمرة شارحان *فصوص الحکم* به شمار می‌رود و نسبت به مبانی این سنت آشنایی کامل دارد، همچنین معتقد است مولوی با ابن عربی، سعدالدین حموی و صدرالدین قونوی در دمشق صحبت داشته و «از حقایق اسراری که شرح آن طولی دارد با همدیگر بیان کرده» است (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۶). بدین ترتیب به نظر می‌رسد با برداشت و فهم مثنوی مبتنی بر اندیشه ابن عربی موافق است. اگرچه در مقاله دوم مقدمه، بعضی از اصطلاحات رایج در تصوف را مبتنی بر عقاید عارفان پیش از شیخ اکبر تبیین و تعریف کرده است، اما برای تبیین بسیاری از مباحث عرفانی مثنوی از مفاهیم سنت دوم بهره جسته است؛ برای مثال در مقدمه *جواهرالاسرار*، معاد را با اصطلاح «حضرات خمس» که در مبانی اندیشه ابن عربی آمده است، توضیح می‌دهد و انسان را نور دیده اهل بینش و مقصود آفرینش توصیف می‌کند (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴۸-۳۵۰). استفاده از اصطلاحات، واژگان و مفاهیم مرتبط با عقاید ابن عربی و ارجاع به *فصوص الحکم* و فتوحات مکیه و شروح آن نشان می‌دهد برداشت خوارزمی از مثنوی بیشتر مبتنی بر سنت دوم است و بیشتر ابیاتی که دربردارنده مفاهیم عرفانی است، به مدد مفاهیم و اصطلاحات سنت دوم شرح شده است (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص. ۴۴۷، ۶۰۱، ۵۶۲، ۷۰۷).

۵- پیوند موضوعات سنت اول و دوم عرفانی از طریق شرح مثنوی: خوارزمی از جمله کسانی است که کوشش کرده است در بعضی از موضوعات میان سنت اول و دوم عرفانی پیوند ایجاد کند؛ برای مثال موضوعی که نجم‌الدین کبری (از عارفان سنت اول عرفانی) با عنوان «طریق شطار»^۵ یا «طریق سر» معرفی کرده است با «احدیت طریق آمم یا طریق وجه خاص» که ابن عربی در *فصوص الحکم* آورده است و شاگردان وی بدان به تفصیل توجه کرده‌اند، یکسان می‌داند (نجم‌الدین کبری، ۱۳۶۳، ص. ۳۶). خوارزمی، ۱۳۸۴، تعلیقات، شریعت ۲۲۵؛ خوارزمی ج ۲، ص. ۳۷۷). بنابراین خوارزمی که شارح آثار ابن عربی است، در بعضی مواضع به موافقت و پیوند میان سنت اول و دوم عرفانی معتقد است.

۲-۵-۳. تبیین و تحلیل محتوای شرح مثنوی سروری: شرح سروری از نظر شیوه توجه به ابیات دوگانه است: بخشی که از شرح خوارزمی برگرفته و بخشی که به سروری مربوط است. محتوای این دو بخش با هم تفاوت دارند.

۲-۳-۱. بخش‌های برگرفته از شرح خوارزمی: در این بخش‌ها گاه آرای عرفانی خوارزمی بدون تغییر به شرح سروری منتقل شده و گاه مباحثی که اندکی پیچیده می‌نموده است، حذف شده است. البته به هیچ‌روی حذف این مباحث، دلیلی بر موافق نبودن سروری با برداشت مبتنی بر سنت دوم عرفانی از مثنوی دانسته نمی‌شود؛ زیرا اشاره به سنت دوم عرفانی (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، دایره واژگان و اصطلاحات) به طور پراکنده در شرح وی دیده می‌شود (سروری، ۱۵۶۲، گ ۵/الف، گ ۱۲/الف، ۱۵۶۲، گ ۶۲/ب، گ ۸۷/ب). سروری حتی نظر خاص خوارزمی در باب پیوند *طریقه شطار* و طریق امم را بدون اشاره به نام خوارزمی آورده است (سروری، ۱۷۱۳، گ ۹/الف)؛ بنابراین به نظر می‌رسد نسبت به جزئیات عقایدی که در *جواهرالاسرار* مطرح شده است، شناخت عمیقی نداشته و مطالب را بدون موضع‌گیری انتقال داده است.

۲-۳-۳-۲. بخش‌هایی که برگرفته از شرح خوارزمی نیست: این مواضع از نظر محتوایی، آشکارا با دیدگاه خوارزمی تفاوت دارد. خوارزمی گاه به‌وضوح آرای ابن‌عربی را تبیین می‌کند، ولی سروری کمتر بدانها توجه می‌کند؛ برای مثال شارحانی که مثنوی را مبتنی بر آرای سنت دوم عرفانی شرح کرده‌اند، در شرح ابیات زیر مجال مناسبی برای تبیین اندیشه‌های ابن‌عربی یافته‌اند و مفاهیمی مانند «زبان استعداد در اعیان ثابت» و «فیض» و «تجلی حق» را مطرح کرده‌اند، در حالی که این ابیات در شرح سروری متناسب با آرای سنت دوم نیست.

«ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما: یعنی چون ما را به خود وجود نیست فعل چگونه تواند بود؟ ما را اگرچه فعل هست اما از حیث اعتبار ساقط است؛ تو وجود مطلق فانی‌نما: که خود را کرده اخفا؛ ... هستی ما جمله از ایجاد تست: که ما را از کتم عدم به صحرای وجود آوردی، پس در ظلمات نیستی رشاشه نور هستی از تو یافتیم و بدان نور به سوی عالم کوه شتافتیم... لذت هستی نمودی نیست را: یعنی همه موجودات را از عدم آفریدی، عاشق خود کرده بودی نیست را: به حکم یحبه‌م و یحبونه اول محبت کردی و آفریدی از عاشق خود ساختی ما را...» (سروری، ۱۷۱۳، گ ۲۹/ب).

باینکه در بخش دوم شرح سروری، اشاره به مفاهیم سنت دوم عرفانی بسیار اندک است و به‌اندازه اثر شارحانی چون خوارزمی، انقروی و اکبرآبادی ملموس نیست، نمی‌توان آن را به‌طور کامل خالی از مفاهیم سنت دوم دانست. بررسی محتوای شرح سروری نشان می‌دهد مبانی نظری شرح ابیات به‌طور مشخص مبتنی بر سنت اول یا سنت دوم نیست و سروری برخلاف خوارزمی از اساس در پی توضیح آرای عرفانی مولوی از خلال ابیات مثنوی نبوده است؛ زیرا در بیشتر مواضع به لایه‌های لغوی، بلاغی و... توجه می‌کند و همچنین روش مشخص و چارچوب واضحی برای توضیح مفاهیم عرفانی اتخاذ نکرده است؛ گاه به آرای سنت دوم اشاره می‌کند و گاه به مفاهیم سنت اول. درحالی‌که مثنوی خوارزمی منطبق با برداشت خاص او درباب مسائل عرفانی است و این بخش‌ها از شرح وی به شرح سروری راه یافته است.

۲-۶. بررسی و تحلیل اقوال سروری در دیباچه شرح: بررسی گفته‌های سروری در دیباچه هر دفتر بیانگر انگیزه و هدف اوست. همچنین نشان می‌دهد سروری باوجود بهره‌گیری از شرح خوارزمی بدان اشاره‌ای نکرده است. شواهد این مطالب عبارتند از:

الف) در دیباچه دفتر اول، هدف از نگارش این اثر کسب فیض از روح مولوی برای فهم مثنوی و انتقال آن به مخاطبان بیان شده است و باوجود بهره‌ فراوان از شرح خوارزمی نامی از وی نیامده است:

«این بنده کمتر سروری کهنتر وقتی... مشغول مطالعه کتاب مثنوی معنوی و محظوظ ملاحظه رموز فضل مولوی شد. به‌خاطر فاترش و عقل قاصرش چنان آمد که هر بیت آن کتاب شریف را شرحی و بعض رموز حضرت مولانا را فتحی نویسد...، اما این حقیر را مقصود اصلی و مطلوب کلی آن است که به انفس متبرکه آن حضرت و به اخبار شریفه اهل طریقت مستفیض و مستفید شود و دیگران را فتح باب این باغ کند تا اندرون باغ دانند...» (سروری، ۱۳۷۵، گ ۱/الف).

او همچنین در موضع دیگری به کشف و دریافت معانی مثنوی از روح مولوی اشاره کرده است: «این حقیر در بیتی و یا در محلی متردد می‌شوم سوی روح مولانا نوحه می‌کنم از طرف روحانیت او تعلیم و فیض می‌آید...» (سروری، ۱۳۷۵، گ ۸۷/ب).

ب) در دیباچه شرح دفتر دوم، این اثر به شاهزاده عثمانی پیشکش شده است، بر اساس این به نظر می‌رسد سروری شرح خوارزمی را برای مخدوم خود تحریر کرده و افزوده‌هایی بدان پیوسته است تا خواندن آن ساده‌تر شود و باینکه به اشاره و با اندکی حذف و جابه‌جایی نام *جواهرالاسرار* و *زواهرالانوار* آورده است، ولی نه از خوارزمی اسمی به میان آورده و نه گفته است که این عبارت نام کتابی بوده است.

«بندۀ فقیر سروری الحقیق بعون ملک قدیر چون بیان جلد اول *زواهر کتاب مولوی* و شرح درج نخستین نظم *جواهر مثنوی* را به‌تمام رسانید، اتفاقاً در این مدت شکوفه باغ سلطنت و ثمره شجره دولت، نور آفتاب مآثر و نوار غصان مفاخر، در دریای مهتری و مهر سپهر سروری، مقبول جمله انام و محبوب خواص و عوام، مظهر الطاف حق تعالی، حضرت سلطان مصطفی، این بنده کمینه خاک نهاد و عبد خالص الفؤاد را به عتبه علیه خود دعوت فرمود و حسن التفات و عنایت نمود و این عبد ضعیف و رقیق نحیف، آن شرح مجلد اول را به طریق هدیه بدان درگاه آورد...؛ چون حضرت صاحب کرم و کریم‌الاخلاق و مستعد دولت جهانی بالاستحقاق تحسین وافر و استحسان متکثر اظهار کرد و شروح سایر مجلدات رغبت بی‌شمار؛ لاجرم این بنده کمینه و کمترین به‌موجب اشارات آن کامران و کام‌بین اکنون در بیان معانی جلد ثانی و در شرح غوانی معانی شروع خواست کرد که عنان عزیمت به آن سوی گردانید...» (سروری، ۱۵۶۲، گ ۲/الف).

با توجه به اینکه سروری مدعی است معانی مثنوی را به طریق کشف از روح مولوی دریافته و عبارات پایانی دیباچه نیز بر نوشتن شرح به قلم سروری (نه تلخیص، املا و...) دلالت می‌کند (بند الف)، همچنین اشاره نکردن به کتاب و نویسنده آن (بند ب)، به نظر می‌رسد شائبه نسبت‌دادن نظر و شرح خوارزمی به خود محتمل باشد.

ج) شرح خوارزمی شامل شرح سه دفتر نخستین مثنوی است، درحالی‌که شرح سروری شش دفتر را دربردارد. توضیحات این شرح از دفتر چهارم به بعد خلاصه‌تر و موجزتر از سه دفتر پیشین آمده است. سروری مدعی است این اختصار بنابه درخواست مخاطبان وی صورت گرفته است. او در آغاز شرح دفتر چهارم آورده است:

«بدان که... سروری الحقیق، چون از تألیف شرح مجلد سوم از کتاب مثنوی فارغ شد، تألیف شرح چهارم از مشرق دل او باز و در شرح و بیان مجلدات گذشته برخی تفصیل کرده و برای تفهیم مرام و تحقیق مقام بعضی تطویل آورده...؛ اما بعض بزرگان بدین بنده اشارت فرمودند که من بعد، چندان بسط کلام نباشد و در تطویل اقدام نبود و این بنده به خود تفصیل و اکثار نخواهد لیکن فیضان الهی همچو امر پادشاهی وارد شود...» (سروری، ۱۵۵۲، گ ۱/الف).

بدین ترتیب براساس گفته‌های سروری در دیباچه‌ها نیز بر مستقل و اصیل نبودن آرای او صحه گذاشته می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

برای بررسی و تحلیل اثرپذیری شرح سروری از *جواهرالاسرار* و *زواهرالانوار* کوشش شد این دو شرح از حیث روش توجه به ابیات و محتوا با هم مقایسه شوند. مشابهت‌های بسیاری که به دست آمد، نشان می‌دهد سروری، *جواهرالاسرار* را پیش چشم داشته و شرح دفتر اول تا سوم مثنوی را مبتنی بر آن تألیف کرده است. از آنجاکه شرح خوارزمی تنها شامل سه دفتر نخست مثنوی است، سروری از دفتر چهارم به بعد، توضیح ابیات را کاسته و به آوردن شواهد و حکایات بسنده کرده است.

بررسی محتوای *جواهرالاسرار* نشان می‌دهد خوارزمی مثنوی را بستری برای تبیین دیدگاه‌های عرفانی خود می‌بیند و آن را با برداشتی عرفانی در چارچوب معتقدات خود شرح کرده‌است. او که شارح آثار ابن عربی نیز هست، در شرح مثنوی می‌کوشد از خلال ابیات، بعضی از موضوعات سنت اول و دوم عرفانی را به هم پیوند دهد. در بیشتر مواضع دیدگاه او درباب مسائل عرفانی از آرای سنت دوم متأثر است.

مقایسه محتوای شرح خوارزمی با شرح سروری نشان می‌دهد سروری گاه از ابیاتی که درخور شرح عرفانی است، گذر کرده و گاه برداشت‌های عرفانی برگرفته از *جواهرالاسرار* را عیناً در اثر خود بیان کرده است. حتی کوشش خوارزمی در پیوند موضوعات عرفانی دو سنت (برای مثال طریق شطار و...) بدون اشاره به نام خوارزمی یا *جواهرالاسرار* به این شرح راه یافته است. بدین ترتیب اثرپذیری محتوایی شرح سروری از شرح خوارزمی نیز آشکار است.

با توجه به شواهد اقوال سروری در دیباچه‌ها و مشابهت‌های بسیار مطالب، به نظر می‌رسد شارح، آگاهانه از *جواهرالاسرار* بهره برده است، ولی به نام شارح اشاره نکرده است.

بدین ترتیب مقایسه و ارزیابی شرح سروری با شرح *جواهرالاسرار* و *زواهرالانوار* شواهدی به دست می‌دهد که علاوه بر نشان دادن میزان اثرپذیری آن از شرح خوارزمی، ابهاماتی را درباب استقلال رأی سروری در شرح مثنوی پدید می‌آورد؛ به طوری که در جریان شرح نویسی بر مثنوی برای آرای سروری نمی‌توان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفت و اثر وی را از جمله شروح تأثیرگذار به‌شمار آورد. همچنین اثرپذیری مستقیم از شرح خوارزمی و اشاره نکردن به نام و نشان وی، این ظن را تقویت می‌کند که ممکن است بقیه مطالبی که برگرفته از *جواهرالاسرار* نیست، به شارح دیگری جز سروری متعلق باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. علاوه بر شرح‌های برشمرده شده، آثاری چون کاشف‌الاسرار و مطلع‌الانوار نوشته حسن ظریفی چلبی (د ۹۷۷هـ.ق)، شرح سودی بوسنوی (د ۱۰۰۵ه.ق)، شرح مثنوی از شمعی (درگذشته بعد از ۱۰۰۹ه.ق)، شرح بخشی از دفتر اول مثنوی از عبدالمجید سیواسی (د ۱۰۴۹ه.ق)، شرح دفتر اول با عنوان *جواهر بواهر مثنوی* از صاری عبدالله (د ۱۰۷۱ه.ق) شرح نی‌نامه موسوم به روح‌المثنوی از اسماعیل حقی بروسوی (د ۱۱۳۸ه.ق)، شرح مثنوی شیخ مراد بخاری (د ۱۲۶۵ه.ق)، شرح عابدین پاشا (د ۱۳۲۵ه.ق)، شرح احمد عونی قنق (د ۱۹۲۸م) شرح دفتر اول با عنوان *درس‌های مثنوی* از طاهر اولغون (د ۱۹۵۱م) و شرح و نثر مثنوی به زبان ترکی از عبدالباقی گولپینارلی از این جمله آثاری‌اند که در آسیای صغیر تالیف شده‌اند (گولپینارلی، ۱۳۶۶، ص. ۱۸۵-۱۸۹؛ ریاحی، ۱۳۶۹، ص. ۲۱۵-۲۱۸).

۲. در بسیاری از منابع به سبب تشابه نام، تاج‌الدین حسین خوارزمی با لقب «کمال‌الدین» معرفی شده است، درحالی‌که این لقب متعلق به عارفی دیگر با بیش از یک قرن اختلاف زمان است (خوارزمی، ۱۳۶۸، مقدمه، سی و سه - سی و پنج؛ میرباقری فرد، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۹).

۳. برای مثال: رک: *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۵۲۲؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۸۳/ب؛ *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۵۴۴؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۸۸/الف؛ *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۵۳۱؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۸۱/ب؛ *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۵۳۳؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۸۲/الف؛ *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۹۱۳؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۸۱/ب.

۴. برای مثال‌های بیشتر، رک: *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۵۳۰ - ۵۳۱؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۸۰/ب؛ *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۹۰۵؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۲/الف؛ *خوارزمی*، ۱۳۸۴، ص. ۹۱۲؛ *سروری*، ۱۳۷۵، گ ۸۱/الف.

۵. «طریقی دیگر هست که آن را «طریق وجود خاص» گویند. اهل تحقیق آن را «طریق سر» خوانند. در این طریق وسایط را اصلاً مدخلی نباشد و این طریق حاصل است از ارتباط خلایق از روی عین ثابتة خود به حضرت خالق. از آنکه حقیقت هر مربوب مرتبط است به حقیقت ربّ خود بی واسطه و تجلیات الهی و جذبات پادشاهی بنده را از این روی حاصل شود و سرّ «جذبه من جذبات الرحمن توازی عمل الثقلین» مکشوف گردد، و وجه «كنت له سمعاً و بصراً و يداً» إلى آخر الحدیث متبیین شود» (خوارزمی، ۱۳۶۸، ص. ۳۰). این طریق در آراء خوارزمی با طریق سوم در دیدگاه نجم کبری یکسان دانسته شده است؛...» (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۱).

منابع

- توحیدیان، رجب، و هوشیاری، بهمن (۱۳۸۸). تأثیرپذیری کمال‌الدین حسین خوارزمی از خاقانی و خصایص سبکی وی. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ۲(۴)، ۵۷-۷۵. <https://B2n.ir/f86776>
- خوارزمی، حسین بن حسن (۱۳۸۴). جواهرالاسرار و زواهرالانوار (محمدجواد شریعت، مصحح). اساطیر. خوارزمی، حسین بن حسن (۱۳۶۸). شرح فصوص الحکم (نجیب مایل هروی، مصحح). مولی.
- دشتی، حسن (۱۳۹۱). تحلیل شرح مثنوی میرنورالله احراری و مقایسه آن با شروح دیگر. آینه میراث، ۱۰(۱)، ۱۰۵-۷۹. http://www.am-journal.ir/article_47959.html
- دفتریان، سیدمسعود، میرباقری فرد، سیدعلی اصغر، و رشیدی آشجردی، مرتضی (۱۳۹۶). تحلیل سبکی شرح مثنوی سروری. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ۱۰(۳)، ۲۶۵-۲۸۰.
- <https://www.bahareadab.com/pdf/54.pdf>
- سپهسالار، فریدون بن احمد (۱۳۷۸). زندگینامه جلال‌الدین مولوی. اقبال.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. پاژنگ.
- سروری، مصطفی بن شعبان (بی‌تا). شرح مثنوی. کاروللا، ۱۷۱۳. فارسی.
- سروری، مصطفی بن شعبان (بی‌تا). شرح مثنوی. رشید افندی، ۱۳۷۵. فارسی.
- سروری، مصطفی بن شعبان (بی‌تا). شرح مثنوی. اسد افندی، ۱۵۶۲. فارسی.
- سروری، مصطفی بن شعبان (بی‌تا). شرح مثنوی. مراد بوهاری (بخاری)، ۱۸۱. فارسی.
- سروری، مصطفی بن شعبان (بی‌تا). شرح مثنوی، بوسنی، غازی خسرو بیگ، ۱۵۵۲، ۳۷۸۰. فارسی.
- سلماسی‌زاده، جواد (۱۳۵۵). مشکل‌های شارحان مثنوی معنوی مولوی. وحید، (۱۹۷). ۴۷۳-۴۷۷.
- شاله، فلیسین رابرت (۱۳۴۴). شناخت روش علوم (یحیی مهدوی، مترجم). انتشارات دانشگاه تهران.
- شجری، رضا، و عربشاهی، الهام (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی میزان اثرپذیری جواهرالاسرار فی زواهرالانوار خوارزمی از منابع اصیل عرفانی مثنوی. ادبیات عرفانی، ۱۳(۲۶)، ۸۵-۱۲۰.
- <https://doi.org/10.22051/jml.2021.38104.2276>
- شجری، رضا (۱۳۸۶). معرفی و نقد و تحلیل شروح مثنوی: شروح فارسی و موجود در ایران. امیرکبیر.
- عثمانی، ابوعلی ابن احمد (۱۳۹۶). ترجمه شرح رساله قشیریه (سیده مریم روضاتیان و سید علی اصغر میرباقری فرد، گردآورنده). سخن.

- علوی، مهوش‌السادات (۱۳۸۹). *نگاهی اجمالی به شروح مثنوی*. آکادمی مطالعات ایرانی لندن. <https://iranianstudies.org/fa/1389/05/21>
- فتاحی اردکانی، احسان (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی دو طریق عرفانی، طریق وجه خاص و طریق شطار. *حکمت اسراء*، (۱۵)۵، ۱۱-۱۲. https://hikmat.isramags.ir/article_6533.html
- کارا خلیلویچ، نامیر. (۱۳۹۲). *نسخه خطی شرح سروری بر مثنوی معنوی در کتابخانه غازی خسرو بیگ ساریوو*. هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه زنجان. <https://en.civilica.com/doc/319958/>
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۶۶). *مولویه پس از مولانا*. کیهان.
- محمدی، معصومه (۱۳۹۸). طرحی برای سامان‌دهی روش شرح‌نویسی بر مثنوی. *پژوهش‌های ادب عرفانی* (گوه‌ر گویا)، ۱۳(۲)، ۱-۲۲. https://jpll.ui.ac.ir/article_24310.html
- مظاهری، جمشید (۱۳۶۱). نی نامه (الرسالة النائية). *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، (۱)، ۱۰۱-۱۱۳.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۶). *مثنوی معنوی* (محمد استعلامی، مصحح). انتشارات زوار.
- میرباقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۹۴). *تاریخ تصوف ۲*. سمت.
- میرباقری فرد، سید علی اصغر، و محمدی، معصومه (۱۳۹۷). *درسنامه مثنوی (گزیاده و شرح دفتر اول مثنوی)*. سخن.
- میرباقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۹۱). *عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی؟* پژوهش‌های ادب عرفانی (گوه‌ر گویا)، ۶(۲)، ۶۵-۸۸. https://jpll.ui.ac.ir/article_16417.html
- نجم‌الدین کبری (۱۳۶۳). *اصول‌العشره* (نجیب مایل هروی، مصحح). مولی.

References

- Alavi, M. (2010). *A brief look at the interpretations of Maulavi's Masnavi*. London Academy of Iranian Studies. <https://iranianstudies.org/fa/1389/05/21> [In Persian].
- Dashti, H. (2012). Sharh Masnavi (Mir Nour Allah Ahrari). *Journal of Aeine Miras*, 10(1), 79-105. http://www.am-journal.ir/article_47959.html [In Persian].
- Daftarian, S & Mirbagherifard, A & Rashidi, M. (2017). Style Review of Masnavi-e Ma'navi. *Journal of the stylistic of Persian poem and prose*, 10(3), 265-280. <https://www.bahareadab.com/pdf/54.pdf> [In Persian].
- Fattahi Ardakani, E. A. (2013). A comparative study between two mystical paths: The special-mode Path (of Gnosis) and the Shettar Path. *Journal of Isra Hikmat*, 5(15), 111-124. https://hikmat.isramags.ir/article_6533.html [In Persian].
- Goulpinarli, A. (1987). *Mawlawiyya after Mevlana*. Keyhan Publication. [In Persian].
- Kara halilović, N. (2013). *Nosxe-ye xattī-ye šarh-e Sorūri bar Masnawī-ye ma'nawī dar Ketābxāne-ye Ġāzī Xosrou-beig-e Sārāyewo*. The 8th International Conference of the Iranian Persian Language and Literature Promotion Association papers. <https://en.civilica.com/doc/319958/> [In Persian].
- Kharazmi, K. (n.d). *Javaher al-Asrar Zavaheer al-Anvar*. Asatir Publication. [In Persian].
- Kharazmi, K. (n.d). *Sharh Fusus Al-Hikam*. Mola Publication. [In Persian].
- Maulavi (n.d). *Maulavi's Masnavi*. Zavar Publication. [In Persian].
- Mazaheri, J. (Ed.) (1983). Ney Nameh (al-resalat al-naeieh). *Journal of Faculty of Literature and Human Sciences*, 1(1), 101-113. [In Persian].
- Mohammadi, M. (2019). A plan for organizing a commentary method on Masnavi). *Journal of Research on Mysticism (Pazhūhish-hā-yi Adab-i 'Irfānī)*, 13(2), 1-22. https://jpll.ui.ac.ir/article_24310.html [In Persian].

- Mirbagherifard, A., & Mohammadi, M. (2018). *Darsnameh Masnavi I*. Sokhan [In Persian].
- Mirbagherifard, A. (2011). Practical and intellectual mysticism or first and second mystical traditions (contemplation on the foundations of Islamic Sufism and Mysticism). *Journal of Research on Mysticism (Pazhūhish-hā-yi Adab-i 'Irfānī)*, 6(2), 65-88. https://jpll.ui.ac.ir/article_16417.html [In Persian].
- Mirbagherifard, A. (2015). *The History of Mysticism*. Samt Publication. [In Persian].
- Najm al-Din, Kubra. (1985). *Osoul al-a'shareh*. MolaPublication. [In Persian].
- Osmani, A. (2017). *Sharh Resale Qhashiriyeh*. Mirbagherifard, A., & Rouzatian, M. (Eds.). Sokhan Publication. [In Persian].
- Riyahi, M. (1990). *Language and Persian literature in the Ottoman Empire*. Pazhang Publication. [In Persian].
- Salmasizadeh, J. (1977). The problems of commentators Masnavi Manavi. *Vahid*, (197), 473-477. [In Persian].
- Sepahsalar, F. (1999). *Zendeginameh Maulana Jalaludin Maulavi*. Eghbal. [In Persian].
- Shajari, R. (2007). *Cognitive, critical, and analysis of dual explanations*. Amirkabir Publication. [In Persian].
- Shajari, R & Arabshahi, E (2022). Analysis and Evaluation of the Influence of Primary Prose Mystical Sources on Khwarazmi's Jawahir al-Asrar fi Zawahir al-Anwar. *Journal of Mystical Literature (Adabiat 'Irfānī)*, 85-120. <https://doi.org/10.22051/jml.2021.38104.2276> [In Persian].
- Shalle, F. (1996). *Knowing the method of science* (Y. Mahdavi, Trans.). Tehran University Press. [In Persian].
- Sorouri, M. (n.d). *Sharh Masnavi Manavi (Bousni)*. No. 3780, Persian. [In Persian].
- Sorouri, M. (n.d). *Sharh Masnavi Manavi (Carolella)*. No. 1713, Persian. [In Persian].
- Sorouri, M. (n.d). *Sharh Masnavi Manavi (Asad Afandi)*. No. 1562, Persian. [In Persian].
- Sorouri, M. (n.d). *Sharh Masnavi Manavi (Morad Bouhari)*. No. 181, Persian. [In Persian].
- Sorouri, M. (n.d). *Sharh Masnavi Manavi (Rashid Afandi)*. No. 1375, Persian. [In Persian].
- Tohidiyan, R & Hushyari, B. (2009). Ta'sipaziri-ye Kamal-al Din KHArzmi az Khaqani va khasaes sabki-ye vey. *Journal of the stylistic of Persian poem and prose*, 2(4), 57-75. <https://B2n.ir/f86776> [In Persian].

